



تششع پیکر شهید سعید صیام. وی در تاریخ ۱۵ ژانویه ۲۰۰۹ میلادی، به همراه پسر و برادرش و دو تن از محافظانش، در حمله هوایی ارتش اسرائیل به خانه استیجاری برادرش، شهید شد.



خاطراتی از زندگی شهید سعید صیام

شهادت با زبان روزه

شهید صیام مردی دلسوز و خانواده دوست بود. انسانی که با رفتنش همه را حیرت زده کرد و حالا با گذشت سال ها از شهادتش همسر، فرزندان و نوه هایش هر روز دلتنگ او هستند. سعید صیام با رفتنش، خلأ بزرگی در زندگی خانواده اش به جا گذاشت اما این بدان معنا نیست که آنها باید تسلیم شوند، زیرا عروج این مرد والا مقام باعث افزایش قدرت و اراده آنها برای ادامه جهاد با استکبار شد. در این گزارش به سراغ گفت و گویی کمتر منتشر شده از خانواده شهید صیام در خصوص این شخصیت متعالی رفته ایم که در ادامه به مطالعه خواهیم نشست.



یک زن فلسطینی در هنگام تظاهرات در روستای بیلین در کرانه باختری در نزدیکی رام الله علیه تهاجم اسرائیل به غزه در ۸ ژانویه ۲۰۰۹ در مقابل سربازان اسرائیلی ایستاده است.

عکس از aljazeera

خبر شهادتش عجیب نبود!

خبر شهادتش برای همسرش که ده ها سال همراهش بود چیز عجیبی نبود، چرا که از همان دوران جوانی به عشق جهاد و آرزوی شهادت از خداوند شهرت داشت و خانواده اش با همه وجود این حس الهی را پذیرفتند. بنابراین همسرش، ام مصعب، می گوید: «زمانی که در منزله برادر شهید صیام بودیم، متوجه شدیم که محل اقامت ابو مصعب بمباران شده است. یقین داشتیم که او شهید شد چون دعا می کرد که خداوند او را با شهادت بپذیرد تا از زیر بار مسئولیتی که بر دوشش گذاشته شده بود، رها شود. بویژه که مسئولیت سنگینی که به عنوان وزیر کشور بر دوش داشت.» همسر صبور او با وجود از دست دادن شوهری دلسوز و سخاوتمند، که

شهادت را آرزو می کرد

شهید صیام (ابو مصعب) رحمه الله از آغاز جنگ غزه مجبور شد در خانه اجاره ای برادرش ایاد در محله (شیخ رضوان) به همراه فرزندش شهید محمد صیام اقامت کند. او نمی خواست از مردم دور باشد به همین خاطر در بین مردم سکونت می کرد. زیرا می خواست راه برادرش را که در دوران حملات رژیم صهیونیستی به شهادت رسیده بود ادامه دهد. او دوست داشت که خدا او را به عنوان شهید انتخاب کند. شیخ سعید در جریان یکی از بمباران ها علاوه بر برادرش، پسرش محمد، برادرش ایاد و همسر برادرش سماح که در حال تهیه صبحانه برای شوهر روزه دارش بود، را از دست داد و این نقطه عطف تلاش او برای رسیدن به سنگرهای شهادت بود.